

## بررسی معانی «بَقِیَّتُ اللّٰهِ» در آیه «بَقِیَّتُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ» با تکیه بر تفاسیر روایی

صمد عبداللهی عابد\*

عیسی مقالی\*\*

### چکیده

آیات زیادی در قرآن کریم در مورد عصمت و حقانیت اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که از جمله بارزترین آنها می‌توان به آیه تطهیر و ولایت اشاره کرد. دسته‌ای از این آیات، مربوط به وجود مبارک امام زمان علیه السلام است که از آن جمله می‌توان به آیه «بَقِیَّتُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ» اشاره نمود. اگرچه ظاهر این آیه در ضمن داستان حضرت شعیب علیه السلام در خصوص اهل مدین نازل شده و برداشت‌های مختلفی در زمینه معنای ظاهری آن صورت گرفته است، اما بنا به نظر مفسران شیعه و سنی در تفاسیر روایی، یکی از تأویل‌ها و مصداق‌های باطنی عبارت «بَقِیَّتُ اللّٰهِ» در آیه مورد بحث، ائمه اطهار علیهم السلام به‌ویژه، امام زمان علیه السلام است که تحقیق پیشرو در صدد اثبات این مدعاست.

### واژگان کلیدی

آیه ۸۶ هود، بقیت الله، امام زمان علیه السلام.

\*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول).

s.abdollahiabed@azarunivedu.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. i.maghalil14@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۳۰

## طرح مسئله

قرآن کریم که بنا به تصریح آیاتش، کتاب راهنمای انسان‌ها و از آن جمله مسلمان‌ها است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره / ۱۸۵)، دارای ظاهر و باطنی است که یکی از مصادر برای دریافت معانی باطنی آن، روایات رسیده از حضرات معصوم علیهم‌السلام است که مفسران واقعی و حقیقی قرآن کریم هستند: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران / ۷) برای دریافت این روایات، باید به کتب حدیثی و به تبع آن، تفاسیر روایی مراجعه کرد.

یکی از آیاتی که دارای مصداق و معنای باطنی است، آیه «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ...» می‌باشد که ظاهر آن در خصوص اهل مدین؛ یعنی قوم حضرت شعیب علیه‌السلام نازل شده است؛ چنان که خدای متعال می‌فرماید:

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ... بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (هود / ۸۶ - ۸۴)

و به سوی [اهل] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را پرستید. برای شما جز او معبودی نیست ... و ای قوم من! پیمان‌ه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید ... اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم.

در این نوشتار ابتدا به بررسی دیدگاه‌های مختلف مفسران شیعه و اهل سنت در خصوص معنای ظاهری عبارت «بقیت الله» و سپس به بررسی معنای باطنی و مصداقی آن از کتب تفاسیر روایی و نیز کتب روایی شیعه و اهل سنت پرداخته خواهد شد و در پایان، مضامین و مصادر روایات رسیده، مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

## بررسی معنای ظاهری عبارت «بقیت الله»

در تفاسیر گوناگون شیعه و سنی، برداشت‌های مختلفی از ظاهر عبارت «بقیت الله» در آیه شریفه مذکور صورت گرفته و هر یک از مفسران به فراخور دانش و دریافت خویش، نظرات و احتمالاتی در خصوص معنای ظاهری آن، گفته یا از دیگران نقل کرده‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱. مقاتل (۱۵۰ ق)

مقاتل بن سلیمان بلخی در تفسیر خود عبارت «بقیت الله» را ثواب خدا در آخرت معنا کرده است. (بلخی، ۱۴۲۳: ۲ / ۲۹۴؛ نیز ر.ک: سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۰۷۵)

۲. فراء (۲۰۷ ق)

ابوزکریا فراء در کتاب *معانی القرآن*، عبارت مورد بحث را به معنای آنچه از حلال برای شما باقی می ماند، دانسته است. (فراء، بی تا: ۲ / ۲۵)

۳. ابن قتیبه (۲۷۶ ق)

ابن قتیبه دینوری در کتاب *غریب القرآن*، عبارت «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» را چنین معنا کرده است: «آنچه خداوند منان از رزق حلال برای شما باقی می گذارد، برای شما از کم فروشی بهتر است» (ابن قتیبه، بی تا: ۱ / ۱۸۰) نزدیک به همین معنا را با اندکی تفاوت، احمد بن ابراهیم ثعلبی (۴۲۷ ق) در کتاب تفسیرش از قول ابن عباس نقل کرده (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۱۸۶) و ابوالفتوح رازی (۵۲۵ ق) نیز همان معنا را در کتاب *روض الجنان* اراده کرده است (رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۳۲۱) از طرفی، ابن جزری (۷۴۱ ق) واژه نعمت را نیز بر رزق حلال افزوده است. (ابن جزری، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۷۶)

۴. ابن ابی حاتم (۳۲۷ ق)

ابن ابی حاتم در کتاب تفسیر خود چند وجه در معنای «بقیت الله» آورده است: «طاعت الله» از قول مجاهد، «بهره شما از پروردگارتان» از قول قتاده، «وصیت الله» از قول ربیع، «رزق الله» از قول حسن و «رحمت الله» از قول عبدالرحمن بن زید بن اسلم. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۰۷۲)

۵. طبری (۳۱۰ ق)

طبری در تفسیر کبیر معنای ظاهری عبارت «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» را چنین دانسته است: «آنچه خدای منان بعد از اینکه حقوق مردم را با پیمانانه و ترازوی منصفانه به طور کامل به آنان دادید، برای شما نگه می دارد و در نتیجه، آن را برای شما حلال می کند از آنچه با پیمانانه و ترازوی ناقص از حقوق مردم کم می کنید، برای شما بهتر است» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۶۱) همچنین، با چند سند از قول مجاهد نقل کرده که مراد از عبارت «بقیت الله»، طاعت الله است (همان، نیز ر.ک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶ / ۲۰۷۲؛ طوسی، بی تا: ۶ / ۴۸)

## ۶. سمرقندی (۳۹۵ ق)

نصر بن محمد سمرقندی در کتاب *بحر العلوم* از قول ابن عباس آورده است که جمله مذکور به معنای آنچه خدا از حلال برای شما باقی می‌گذارد برای شما از حرام بهتر است، می‌باشد. همچنین، بنا به قولی ناشناس - و احتمالاً ضعیف - عبارت «بقیت الله» را به معنای ثواب خدا در آخرت دانسته است. (سمرقندی، بی تا: ۲ / ۱۶۶)

## ۷. سید رضی (۴۰۶ ق)

سید رضی عبارت «بقیت الله» را ترکیبی استعاری دانسته و در خصوص معنای آن چند قول آورده است: «این استعاره است؛ زیرا حقیقت بقیه، ترک چیزی از چیزی است که گذشته است و اطلاق آن بر خدای سبحان جایز نیست. پس واجب می‌شود که مراد، غیر از این حقیقت باشد و در معنای آن، وجوهی گفته شده است: بقیه خدا از نعمتش، برای شما بهتر است؛ گفته شده: بقیت الله، همان طاعت خداست؛ زیرا رضا و ثواب تا ابد باقی می‌ماند؛ گفته شده: بقیت الله؛ یعنی عفو خدا از شما و رحمت او به شما، بعد از استحقاق عذابتان». (سید رضی، بی تا: ۱۶۵)

## ۸. میبیدی (۵۳۰ ق)

میبیدی همانند برخی دیگر از مفسران، «بقیت الله» را به معنای آنچه خدای متعال برای بندگانش بعد از وفای به پیمان و وزن باقی می‌گذارد، گرفته است. اما تفاوت گفته وی با دیگران در این است که آنها بقای الهی را مقید به قید «حلال» کرده‌اند؛ ولی میبیدی آن را به صورت مطلق و بدون قید آورده و در ادامه نیز چند وجه از قول ابن زید و دیگران بر گفته خود افزوده است. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴ / ۴۲۸)

## ۹. زمخشری (۵۳۸ ق)

زمخشری در کتاب *الکشاف*، عبارت مورد بحث را به معنای آنچه از حلال بعد از پاکیزه کردن آن از حرام و نیز بعد از کامل کردن پیمان و وزن برای شما باقی می‌ماند، دانسته و گفته است که اضافه «بقیه» به لفظ جلاله «الله» برای این است که آن، رزق خداست و جایز است که به او اضافه شده و نسبت داده شود. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۱۸؛ نیز ر.ک: جرجانی، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۶۷)

## ۱۰. طبرسی (۵۴۸ ق)

طبرسی نیز مانند برخی از مفسران چند وجه در معنای جمله «بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لِّكُمْ» آورده است: «باقی‌گذارده خداوند نعیم برای شما بهتر است از آنچه از نفع به وسیله کم‌فروشی برای خود حاصل

می‌کنید» از قول ابن جبیر، «طاعت خدا برای شما از جمیع دنیا بهتر است» از قول حسن و مجاهد و نیز «رزق الله» از قول ثوری. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۲۸۶)

### ۱۱. ابن جوزی (۵۹۲ ق)

ابن جوزی در معنای عبارت «بَقِيَّتُ اللَّهِ» هشت وجه از قول مفسران پیشین را ذکر کرده که برخی از آنها یا گاهی همه آنها در تفاسیر دیگر نیز آمده است؛ اما تفاوت بیان وی با دیگران، سه قولی می‌باشد که در معنای عبارت «وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» از دیگران نقل کرده است:

در فرمایش خدای عزیز «وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» سه قول است: اول: به جنگ با شما و اجبارتان بر ایمان، مأمور نشده‌ام، دوم: به مراقبت از شما، هنگام پیمانان کردنتان، که کم‌فروشی نکنید، مأمور نشده‌ام؛ و سوم: از عذاب خدا، اگر بر شما برسد، شما را حفظ نمی‌کنم. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۹۶)

### ۱۲. ابن عربی (۶۳۸ ق)

در میان مفسران، برداشت ابن عربی از واژه «بقیت» متفاوت‌تر از نظرات دیگران است. وی کلمه مذکور را به معنای کمالات و سعادت اخروی، یقینیات عقلی و اکتسابات علمی و عملی گرفته و در معنای جمله مورد بحث گفته است:

یعنی اگر شما تصدیق‌کننده بقای چیزی باشید، پس آنچه نزد خدای متعال از کمالات و سعادت اخروی، یقینیات عقلی و اکتسابات علمی و عملی باقی می‌ماند، برای شما بهتر است از آن کسب شده‌های فانی که بدان تشویق می‌شوید و برخلاف نفستان در کسب و تحصیل آن تشویق می‌شوید. سپس با مرگ، آن را ترک می‌کنید چیزی از آن برای شما باقی نمی‌ماند، مگر وبال فرجام بد و عذاب لازم برای شما در جان‌هایتان از استواری قالب‌ها. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۳۰۸)

### ۱۳. قرطبی (۶۷۱ ق)

قرطبی در کتاب *الجامع لأحكام القرآن*، جمله مورد بحث را این‌گونه معنا کرده است: «آنچه خدا بعد از ایفای حقوق دیگران به وسیله قسط برای شما باقی می‌گذارد از لحاظ برکت، بیشتر و از نظر عاقبت، ستوده‌تر است از آنچه از باقیمانده کم‌فروشی به واسطه گردنکشی و ظلم برای خود باقی می‌گذارید». (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰ / ۸۶)

## ۱۴. ابوحنیفه اندلسی (۷۴۵ ق)

ابوحنیفه اندلسی نیز در بیان معنای ظاهری «بقیت الله» - مانند برخی از مفسران - به تکرار نظرات پیشینیان پرداخته است با این تفاوت که وی معنای «فرائض الله» از قول حسن و «ذخیره الله» از قول قتاده را بر برداشت‌های خود افزوده است. (ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۱۹۶)

## ۱۵. نیشابوری (۷۴۹ ق)

نظام‌الدین نیشابوری در کتاب *غرائب القرآن*، دو وجه از گوینده‌ای ناشناس در معنای «بقیت الله» آورده است: طاعت خدا و رضایت خدا؛ و در توضیح بیان گوینده‌ای دیگر در معنای عبارت مذکور (آنچه برای شما از حلال بعد از پاکیزه کردن آن از حرام باقی می‌ماند) چنین گفته است: «به شرط اینکه ایمان بیاورید؛ زیرا چیزی از اعمال با وجود کفر سودی ندارد اگر شما مرا در آنچه به شما نصیحت می‌کنم، تصدیق کنید» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۵) وی در ادامه، نظر معتزله را به سبب اضافه کلمه «بقیه» به لفظ جلاله «الله» یادآور می‌شود که گفته‌اند: دلیلش این است که حرام، رزق خدا نامیده نمی‌شود. (همان)

## ۱۶. نخجوانی (۹۲۰ ق)

نعمت‌الله نخجوانی در کتاب تفسیری خود عبارت مورد بحث را به معنای تقدیر خدای حکیم دانسته که در پیشگاه علمش برای بندگان مقدر کرده است و در معنای عبارت «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» گفته است: یعنی اگر شما به خدای متعال و کمال تدبیرات و تقدیراتش ایمان بیاورید. (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱ / ۳۶۱)

## ۱۷. گنابادی (۱۳۲۷ ق)

سلطان محمد گنابادی نیز در کتاب *بیان السعادة*، در معنای جمله مورد بحث چند احتمال داده است:

آنچه که برای شما از کسب‌هایتان می‌ماند، که در آن بخل و کم‌فروشی مرتکب نشده‌اید، برای شما بهتر است و نسبت این باقیمانده به خدا برای اشاره به این است که آن کس که عطا می‌کند؛ یا مقصود این است که آن باقیمانده از فطرت الهی و لطیفه ستاره انسانی و عقل و جنودش بعد از احاطه نفس و شهواتش، احاطه شیطان و فریب دادنش و نیز احاطه جهل و لشکریانش به کشور (وجودتان) برای شما بهتر است از قضای شهوات و آرزوها که شیطان آنها را زینت داده است؛ یا مقصود این است که آنچه خداوند برای شما گذاشته، مانند جانشینانش در زمین که

شما را به سوی خدا فرا می‌خوانند بهتر است برای شما از رؤسای گمراهی شما و این گفتار از پیامبر خدا ﷺ اشاره به خودشان می‌باشد. (گنابادی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۵)

#### ۱۸. آل سعدی (۱۳۷۶ ق)

عبدالرحمن آل سعدی در کتاب *تیسیر الکریم الرحمن*، «بقیت الله» را «آنچه خداوند منان از خیر برای شما باقی می‌گذارد»، معنا کرده است (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱ / ۴۴۴) عبدالکریم خطیب (۱۴۰۶ ق) نیز نزدیک به همین گفته را قائل شده و بیان کرده است: «یعنی آنچه از اجر نزد خداوند کریم ذخیره می‌کنید». (خطیب، بی تا: ۶ / ۱۱۸۷)

#### ۱۹. طنطاوی (۱۴۳۱ ق)

طنطاوی، لفظ «بقیت» را اسم مصدر از فعل «بقی» دانسته و اضافه لفظ جلاله «الله» به آن را اضافه تشریفی و تیمی به حساب آورده و عبارت «بقیت الله» را به معنای آنچه خدای منان از رزق حلال، حال صالح، یادکرد نیکو، امن و نیز برکت در زندگی برای بندگان با ایمانش به سبب التزام آنان به قسط در معاملاتشان باقی می‌گذارد، گرفته است. (طنطاوی، بی تا: ۷ / ۲۵۹)

#### ۲۰. مکارم شیرازی (معاصر)

آیت‌الله مکارم شیرازی در معنای عبارت «بقیت الله» سه احتمال می‌دهد و می‌نویسد:

تعبیر به «بقیة الله» یا به‌خاطر آن است که سود حلال اندک چون به فرمان خداست «بقیة الله» است؛ یا اینکه تحصیل حلال باعث دوام نعمت الهی و بقای برکات می‌شود و یا اینکه اشاره به پاداش و ثواب‌های معنوی است که تا ابد باقی می‌ماند هر چند دنیا و تمام آنچه در آن است فانی شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۹ / ۲۰۳)

#### بررسی معنای باطنی یا جری و تطبیق عبارت «بقیت الله» در منابع شیعی

برخلاف نظرات گوناگونی که از سوی مفسران در خصوص معنای ظاهری عبارت «بقیت الله» در آیه مورد بحث گفته شده است، درباره معنای باطنی عبارت مذکور تقریباً همه مفسران - به‌ویژه صاحبان تفاسیر روایی - اتفاق نظر دارند و همگی با استناد به روایات مختلف، معنای باطنی و مصداق بارز عبارت «بقیت الله» را وجود مبارک حضرات معصومین و به‌ویژه امام زمان ﷺ می‌دانند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

## ۱. فرات کوفی (۳۰۷ ق)

فرات کوفی در کتاب تفسیرش در خصوص معنای باطنی عبارت مورد بحث چنین آورده است:

جعفر بن محمد فزاری به صورت معنعن از عمر بن زاهر به من حدیثی نقل کرد و گفت: مردی به جعفر بن محمد علیه السلام گفت: آیا بر قائم با لفظ امیرالمؤمنین سلام بکنیم؟ فرمود: نه، این اسمی است که خدا امیرالمؤمنین علیه السلام را به آن نامیده است؛ نه کسی قبل از ایشان و نه بعد از ایشان به این نام نامیده نشده است، مگر فرد کافر. گفت: پس چگونه بر او سلام کنیم؟ فرمود: می‌گویی که: «السلام علیک یا بقیة الله»، گفت: سپس جعفر علیه السلام قرائت کرد: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۹۳)

## ۲. حویزی (۱۰۵۸ ق)

حویزی در خصوص معنای باطنی عبارت مورد بحث، روایات متعددی از کتب مختلف روایی آورده است که یکی از آنها از کتاب *الکافی* از امام صادق علیه السلام است. اصل روایت در این کتاب چنین آمده است:

محمد بن یحیی از حفص بن محمد نقل کرده و گوید: اسحق بن ابراهیم دینوری از عمر بن زاهر از ابی عبد الله علیه السلام در مورد قائم به من حدیثی نقل کرد و گفت: «مردی از ایشان سؤال کرد که می‌توان بر او با لفظ امیرمؤمنان سلام کرد؟» فرمود: نه، این اسمی است که خدا امیرمؤمنان علیه السلام را به آن نامیده است؛ نه کسی قبل از ایشان و نه بعد از ایشان به این نام نامیده نشده است، مگر فرد کافر. گفت: پس چگونه بر او سلام می‌شود؟ فرمود: می‌گویند که «السلام علیک یا بقیة الله». سپس قرائت کرد: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (کلینی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۱۱؛ نیز ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۳۹۳)

## ۳. فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق)

محمد محسن فیض کاشانی نیز مانند دیگران، در تأیید نظر خود در خصوص معنای باطنی عبارت «بقیة الله» به روایات ائمه معصومین علیهم السلام از جمله روایتی از کتاب *الکافی* از امام باقر علیه السلام متوسل می‌شود. روایت مورد نظر، در *کافی* چنین نقل شده است:

... آن حضرت هنگامی که دروازه مدین به روی ایشان بسته شد و مانع شدند که



ایشان به بازار وارد شوند، به بالای کوهی که مُشْرِف بر اهل مَدین بود، صعود کردند؛ سپس با صدای بلند فرمودند: ای اهل شهری که مردمش ستمکارند، من «بقیت الله» هستم و خدای متعال می‌فرماید که «بقیت الله» برای شما بهتر است، اگر ایمان دارید. (کلینی، همان: ۴۷۱؛ نیز رک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۶۸)

#### ۴. شریف لاهیجی (۱۰۹۵ ق)

شریف لاهیجی نیز در کتاب تفسیری خویش، در تأیید نظرات دیگران در خصوص معنای باطنی عبارت «بقیت الله» می‌نویسد: «در حدیث وارد شده که «بقیت الله» حضرت صاحب الزمان است؛ یعنی یکی از مصادیق «بقیة الله» حضرت صاحب است» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲ / ۴۷۰) وی در ادامه به روایتی از کتاب *کمال الدین* از امام باقر علیه السلام استناد می‌کند که اصل روایت در کتاب مذکور به این شرح است:

از ابی جعفر علیه السلام حدیثی طولانی است که در مورد قائم علیه السلام ذکر شده است: چون قائم آل محمد علیه السلام خروج کند و پشت خود را به دیوار کعبه گذارد و سبید و سیزده کس از موالیان او نزد او حاضر شوند، اولین سخنی که می‌گوید این آیه شریفه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ.» سپس آن حضرت گوید: من بقیه خدا و حجت و خلیفه او بر شما هستم. بعد از این، هیچ احدی بر آن حضرت سلام نکند، مگر آنکه گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه ... (صدوق، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۳۰؛ نیز رک: فیض کاشانی: همان؛ شریف لاهیجی: همان؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۶ / ۱۲۱؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۶ / ۲۹۹؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۷ / ۳۶۴)

#### ۵. قمی مشهدی (۱۱۲۵ ق)

قمی مشهدی در تأیید معنای باطنی عبارت «بقیت الله» چند روایت از کتب روایی و از جمله دو روایت از کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* با سند مختلف آورده است که یکی از آن روایات در کتاب مورد نظر چنین بیان شده است:

علی بن عبد الله وراق به ما حدیث نقل کرد و گفت: سعد بن عبدالله از احمد بن إسحاق بن سعد اشعری به ما حدیث نقل کرد و گفت: أبومحمد، الحسن بن علی علیه السلام بر ما خارج شد و همراه وی پسر کوچکی بود که صورتش مانند ماه کامل بود. پس فرمود: ای احمد بن إسحاق! اگر کرامت تو بر خدای عزیز و بر حجت‌های او نبود، این پسر را بر تو عرضه نمی‌کردم. او را رسول الله صلی الله علیه و آله نامگذاری کرده است. تا اینکه

گفت: پس پسر بچه علیه السلام به زبان عربی فصیح سخن گفت و فرمود: من بقیه خدا در زمینش و انتقام گیرنده از دشمنانش هستم. ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن این کرامت [نشانه‌ای طلب نکن. (صدوق، ۱۴۰۵: ۲ / ۳۸۴؛ نیز ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۶ / ۲۲۶)

#### ۶. حسینی همدانی (۱۴۱۸ ق)

حسینی همدانی نیز در بیان معنای ظاهری و باطنی عبارت «بقیت الله» می‌نویسد:

آیه شریفه بیانگر حقیقی از معارف است که هر یک از نعمت‌های پروردگار گرچه بظاهر زوال‌پذیر است؛ ولی زمینه نعمت‌های دیگری است و غرض اصلی از خلقت بشر، تأسیس مکتب قرآن و تعلیم و تربیت رسول خدا علیه السلام و اوصیا او علیهم السلام است و لطیفه نعمت‌ها که اصیل و باقی است و ثقل نظام خلقت معرفی شده، دو نعمت وابسته به یکدیگرند و خیر محض و محض خیر خوانده شده و اختصاص به اهل ایمان و پیروان برنامه مکتب قرآن دارد که هرگز ارتباط آنان با پروردگار قطع نمی‌شود و نظر به اینکه هر یک از آیات کریمه با اختلاف و نسبت آنها راجع به معنای واحد بسیط و توحید خالص است، از شئون آن نیز مقام دعوت همیشگی به توحید است که قائم به بقیت الله خواهد بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۸ / ۴۷۵)

از آنجا که در بیشتر تفاسیر روایی، روایات مربوط به بیان معنای باطنی و مصداقی عبارت «بقیت الله» عمدتاً از کتاب *کمال الدین شیخ صدوق* (۳۲۹ ق) و از امام باقر علیه السلام نقل شده‌اند، لازم شد برای بررسی بیشتر و بهتر، به سایر کتب روایی نیز مراجعه شود تا تحقیق و پژوهش در این باره کامل‌تر شده، قضاوت دقیق‌تری در خصوص معنای باطنی عبارت «بقیت الله» به عمل آید. از جمله، خصیبی (۳۵۸ ق) در کتاب *هدایة الکبری* از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

او فرزند جمعه است که کلمه در او جمع می‌شود و نعمت به وسیله وی تمام می‌شود و خدای متعال حق را تحقق می‌بخشد و باطل را نابود می‌کند و او مهدی منتظر شماس است. سپس قرائت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین». سپس فرمود: به خدا سوگند، ما همان بقیه خدا هستیم. (خصیبی، بی‌تا: ۳۶۳)

طبرسی (۵۴۸ ق) نیز در کتاب *احتجاج* از امیرمؤمنان علیه السلام حدیثی در این خصوص نقل کرده است

که فرمود:

ایشان بقیّت الله هستند؛ یعنی مهدی علیه السلام، که هنگام انقضای این نظر می‌آید؛ پس زمین را با قسط و عدل پر می‌کند، همان‌گونه که با ظلم و ستم پر شده بود، و از نشانه‌های آن، غیبت و کتمان کردن، هنگام عمومی شدن طغیان و بروز انتقام، می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۷۵)

همچنین علامه مجلسی (۱۱۱۰ ق) بابتی از کتاب خویش را به عبارت «بقیت الله» اختصاص داده و می‌نویسد: «باب اینکه ایشان یعنی ائمه علیهم السلام حزب خدا و بقیه او و کعبه و قبله‌اش هستند؛ این فرمایش خداوند متعال (بقیّت الله خیر لکم) درباره ایشان نازل شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴ / ۲۱۱) وی در بیان معنای باطنی آن می‌نویسد:

اکثر مفسران عبارت «بقیت الله» را تفسیر کرده‌اند به آنچه خدا از حلال برای مردم ابقا می‌کند، بعد از پاک شدن از آنچه بر ایشان حرام شده است از کم‌فروشی در مکیال و میزان؛ یا ابقای الهی نعمتش را بر آنها؛ یا ثواب باقی آخرت؛ اما در اخبار، مراد از آن، ابقای کسی از انبیا و اوصیا علیهم السلام در زمین برای هدایت خلق است، یا خود اوصیا و ائمه که بقایای انبیا در امت‌ها هستند، و اخبار در این باره فراوان است که ما هر کدام را در جایش آورده‌ایم. (همان)

گذشته از موارد فوق، برای اطمینان بیشتر، از کتاب *کمال السدین* شیخ صدوق نیز روایتی از امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام به عنوان نمونه نقل می‌شود: «امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که غیبت، به زودی در ششمین نفر از فرزندانم واقع می‌شود و او دوازدهمین فرد از امامان هدایت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اول ایشان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخر ایشان، قائم به حق، بقیّه خدا در زمین و صاحب الزمان می‌باشند.» (صدوق، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۴۲) و این حدیث که امام زمان علیه السلام فرمود: «من بقیه خدا در زمین هستم.» (همان: ۳۸۴)

نه تنها در روایات گوناگون بیان شده است که مراد از عبارت «بقیّت الله» در آیه شریفه مورد بحث، ائمه اطهار علیهم السلام و به‌ویژه، امام زمان علیه السلام هستند، بلکه در کتب مزار و ادعیه شیعه نیز به این امر تصریح شده است. برای نمونه در فرازی از زیارت جامع کبیره که شیخ صدوق (۳۸۱ق) در کتاب *عیون أخبار الرضا علیه السلام* و شیخ طوسی (۴۶۰ق) در کتاب *تهذیب الأحکام* آن را نقل کرده‌اند، آمده است: «سلام بر امامان دعوت‌کننده و رهبران هدایت‌کننده و سروران ولایت و حمایت‌کنندگان حقوق بشر و اهل ذکر و صاحبان امر و بقیه خدا و برگزیدگانش و حزیش ...». (صدوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۰۶؛ نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۶۵: ۶ / ۹۶)

همچنین، در زیارت شریف «آل یس» که طبرسی (۵۴۸ ق) در کتاب *احتجاج* و ابن مشهدی (۶۱۰ ق) در کتاب *المزار الکبیر* آن را نقل کرده‌اند، آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ سلام بر تو ای بقیه خدا در زمینش». (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲ / ۳۱۶؛ نیز ر.ک: مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۶۹)

### بررسی معنای باطنی و مصداقی عبارت «بقیت الله» در منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت، برخلاف نظرات مختلفی که درباره معنای ظاهری عبارت «بقیت الله» بیان شده است، چندان به بیان معنای باطنی و مصداقی این عبارت پرداخته نشده است؛ جز اینکه ابن صباغ مالکی با استناد به حدیثی از امام باقر علیه السلام، مصداق عبارت مورد بحث را وجود مبارک امام زمان علیه السلام می‌داند و می‌نویسد:

از ابو جعفر (امام باقر) نقل شده است که گفت: مهدی از ماست و خدا او را با انداختن ترسش در دل دشمنان یاری می‌کند ... منادی از آسمان ندا می‌دهد که حق با او و اطرافیانش است. در آن هنگام قیام‌کننده ما قیام می‌کند؛ پس وقتی ظهور کند به کعبه تکیه داده و ۳۱۳ نفر همراه وی جمع می‌شوند. پس اولین چیزی که می‌گوید این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می‌گوید: ای مردم من بقیت الله در زمین هستم و خلیفه خداوند و حجت او بر شما. پس هیچ کس به وی سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: سلام بر تو ای بقیه خدا ... (ابن صباغ مالکی، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۱۳۵ - ۱۱۳۳)

اما آیت‌الله مرعشی نجفی در کتاب *شرح احقاق الحق*، مدارک دیگری نیز از کتب اهل سنت در این زمینه ذکر کرده است:

از ایشان (کسانی که از علمای اهل سنت روایات مربوط به عبارت «بقیت الله» را در کتبشان نقل کرده‌اند)، علامه شیخ عبدالهادی ایبیری است که در کتاب *العرائس الواضحة* گفته است: «و از ابو جعفر روایتی است طولانی در مورد اینکه وقتی مهدی ظهور کند به کعبه تکیه می‌دهد و ۳۱۳ نفر از طرفدارانش نزد وی جمع می‌شود. اولین چیزی که می‌خواند این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می‌گوید: من بقیت الله هستم و خلیفه او و حجتش بر شما. پس هر کس به وی سلام می‌کند، می‌گوید: سلام بر تو ای بقیه خدا ...» و از ایشان، همین علامه‌ای که ذکر شد در کتاب *جالیه الکدر* است که همین روایت را که در کتاب *العرائس الواضحة* بود، نقل کرده است. (مرعشی نجفی، ۱۴۰۵: ۱۳ / ۳۳۲)

### بررسی مضامین و مصادر روایات نقل شده

با مراجعه به کتب تفاسیر روایی، متوجه می‌شویم که در اکثر کتب روایی شیعه، روایات مربوط به معنای باطنی عبارت «بقیت الله» عمدتاً از کتاب *کمال الدین* شیخ صدوق و از امام باقر علیه السلام نقل شده است که با اندک تفاوت لفظی، اما با مضامین یکسان بیان شده‌اند؛ جز اینکه در خصوص مصادر روایی باید گفت که فرات کوفی همان روایت را به سند خودش از امام صادق علیه السلام، فیض کاشانی از کتاب *کافی* از امام باقر علیه السلام، حویزی از *اصول کافی* از امام باقر علیه السلام و نیز از *احتجاج* از امام علی علیه السلام و نجفی خمینی از منبعی نامعلوم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند. حتی در میان اهل سنت نیز ابن صباغ مالکی در کتاب *الفصوص المهمة فی معرفة الأئمة* و عبدالهادی ابیاری در کتاب *العرائس الواضحة و جالیة الکدر* روایت مورد بحث را از امام باقر علیه السلام آورده‌اند. در ادامه به بررسی متن روایت مد نظر پرداخته می‌شود.

#### ۱. بررسی متن روایت کتاب *کمال الدین* از امام باقر علیه السلام

تقریباً همه مفسرانی که روایت را از کتاب *کمال الدین* از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند، به جز حذف قسمتی از بخش ابتدایی حدیث که هر مفسر به صلاحدید خود به آن دست زده است، بخش عمده و پایانی آن را که مربوط به معرفی مصداق «بقیت الله» می‌باشد، با الفاظی یکسان بیان کرده‌اند؛ چون روایت کتاب *کنزالدقائق* کامل و دقیق است، عین روایت به‌عنوان نمونه و برای بررسی بهتر به زبان عربی از آن کتاب آورده می‌شود: «فإذا خرج، أسند ظهره إلى الكعبة و اجتمع إليه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً. فأول ما ينطق به هذه الآية: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ثمَّ يقول: أنا بقیت الله [فی أرضه] و حجته و خليفته عليكم. فلا یسلم علیه مسلم، إنا قال: السلام عليك یا بقیت الله فی أرضه ...» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۶ / ۲۲۶)

اما بخش پایانی حدیث مذکور در سایر کتب روایی که آنها نیز از کتاب *کمال الدین* از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند، چنین آمده است: «أول ما ينطق به هذه الآية: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ثمَّ يقول: أنا بقیت الله و حجته و خليفته عليكم. فلا یسلم علیه مسلم، إنا قال: السلام عليك یا بقیت الله فی أرضه ...» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۶۸؛ نیز ر.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۶ / ۲۹۹)

در کتب تفاسیر فارسی نیز دقیقاً عین روایت مورد بحث - یا کل روایت و یا بخش پایانی آن - به زبان فارسی آمده است. (ر.ک: شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲ / ۴۷۰؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۶ / ۱۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۲۰۵)

اصل روایت مدّ نظر در کتاب *كمال الدين* این گونه نقل شده است: «فإذا خرج، أسند ظهره إلي الكعبة و اجتمع إليه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا و أوّل ما ينطق به هذه الآية: «بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ثمّ يقول: أنا بقيت الله [في أرضه] و حجّته و خليفته عليكم. فلا يسلم عليه مسلم، إلّا قال: السّلام عليك يا بقيت الله في أرضه...». (صدوق، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۳۱)

با توجه به بررسی متن اصلی حدیث که در بالا ذکر شد و نیز بخش پایانی آن که در کتب تفسیر مختلف آمده است، معلوم می شود که قمی مشهدی در کتاب *کنز الدقائق*، عبارت «فی أرضه» را در بخش پایانی روایت مورد بحث، از مصدر اصلی گرفته و اضافه کرده است؛ چنان که در حاشیه کتاب نیز آن را بیان نموده است. در کتب دیگر عبارت فوق وجود ندارد.

## ۲. بررسی متن روایت سایر کتب روایی از امام صادق علیه السلام

در برخی تفسیر روایی در بیان معنای باطنی عبارت «بقیت الله»، روایت دیگری از امام صادق علیه السلام در بیان احوال امام باقر علیه السلام که وارد شهر مدین می شوند و مردم از دادن طعام و آشامیدنی به ایشان و همراهانشان خودداری کرده و بازارها را به روی ایشان می بندند، نقل شده است که آن حضرت ضمن نطقی، خود را «بقیت الله» می نامند. بخش مورد نیاز آن روایت که در کتاب *کنز الدقائق* به طور کامل و به نقل از کتاب *کافی* آمده است، چنین می باشد: «... فصعد جبلا يشرف عليهم، فقال بأعلي صوته: يا أهل المدينة الظالم أهلها، أنا بقيت الله. يقول الله: «بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»...». (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۶ / ۲۲۵)

در منابع دیگر، علاوه بر اندک تفاوتی در نحوه بیان سایر الفاظ حدیث، سخن امام به جای «أنا بقية الله» به صورت: «إنا بقية الله» و «نحن بقية الله» نیز گزارش شده است؛ یعنی حضرت فرموده اند: «ما بقيت الله هستیم». برای نمونه، طبری (۳۱۰ ق) در کتاب *دلائل الإمامة* روایت فوق را چنین نقل کرده است: «ثمّ صعد الجبل المطل علي مدينة مدین، وأهل مدین ينظرون إليه ما يصنع، فلما صار في أعلاه استقبال بوجهه المدينة وحده، ثمّ وضع إصبعيه في أذنيه، ثمّ نادى بأعلي صوته: و إلى مدین أخاهم شعيبا - إلى قوله (عزّ و جلّ) - «بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». نحن والله، بقيت الله في أرضه...». (طبری، ۱۴۱۳: ۲۴۱)

ابن شهر آشوب (۵۸۸ ق) نیز در کتاب *مناقب آل ابی طالب* حدیث فوق را این گونه بیان کرده است: «فصعد جبلا اشرف عليهم فقال بأعلي صوته: يا أهل المدينة الظالم أهلها! إنا بقيت الله. يقول الله تعالی «بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»...». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳ / ۳۲۲)

از طرفی، سید بن طاووس (۶۶۴ ق) هم حدیث مورد بحث را در کتاب *الآمان* چنین آورده است: «ثم صعد الجبل المطل مدينة مدین و أهل مدین ينظرون إليه ما يصنع. صار في أعلاه استقبال بوجهه المدينة وحده، ثم وضع إصبعيه في أذنيه نادي بأعلي صوته: و الي مدین أخاهم شعيبا - الي قوله تعالی - «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». نحن والله، بقیت الله في ارضه ...» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۷۲)

بنابراین، می‌توان گفت که صرف نظر از تفاوت‌های لفظی در بین احادیث مذکور، آنچه از رهگذر روایات برداشت می‌شود، این است که مصداق کامل و مسلّم «عبارت بقیت الله»، حضرات معصوم علیهم‌السلام می‌باشند؛ اما کاربرد آن در خصوص وجود مبارک امام زمان علیه‌السلام، به دلیل اینکه ایشان آخرین امام شیعیان و آخرین حجت الهی در روی زمین هستند، در بین شیعیان نمود و ظهور بیشتری دارد و مصداق «بقیت الله» در خصوص آن بزرگوار زودتر به ذهن‌شان متبادر می‌شود.

### نتیجه

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از تفاسیر شیعه و سنی، در خصوص معنای ظاهری عبارت «بقیت الله» اقوال مختلفی از سوی مفسران به شرح زیر گفته شده است:

- آن باقیمانده از فطرت الهی و لطیفه سیاره انسانی و عقل و جنودش بعد از احاطه نفس و شهواتش، یا احاطه شیطان و فریب دادن و یا احاطه جهل و لشکریانش به کشور وجود؛
- ذخیره اجر یا خیر نزد خدای کریم؛
- باقیمانده حلال بعد از اتمام پیمان و وزن و یا بعد از پاک کردن آن از حرام؛
- باقیمانده حلال در دنیا و یا انتظار ثواب بر ترک حرام در آخرت؛
- باقیمانده رزق حلال یا نعمت خدای منّان؛
- باقیمانده جانشینان خدای متعال در زمین؛
- تقدیر خدای حکیم در محضر علمش برای بندگان خویش؛
- باقی گذارده خدای متعال از رزق حلال، حال صالح، یادکرد نیکو، امن و برکت در زندگی برای بندگان با ایمانش به سبب التزام آنان به قسط در معاملاتشان؛
- باقیمانده کسب‌هایی که در آن بخل و کم‌فروشی صورت نگرفته باشد؛
- اکتسابات علمی و عملی، کمالات و سعادت اخروی، یقینات عقلی؛
- بقیه خدا از نعمت‌هایش، عفو خدا از بندگان، رحمت خدا به بندگان بعد از استحقاق عذابشان؛
- بهره و حظ بندگان از پروردگارشان؛

- تعبیر به «بقیة الله» یا به خاطر سود حلال اندک به فرمان خداست یا به خاطر تحصیل حلال است که باعث دوام نعمت الهی و بقای برکات می شود و یا اشاره به پاداش و ثواب های معنوی است که تا ابد باقی می ماند؛

- ثواب و ذخیره خدا در آخرت؛

- رحمت، رضایت، طاعت، عفو، مراقبت و وصیت خدای متعال؛

- باقیمانده سود معامله برای فروشنده بعد از اتمام آن؛

- در خصوص معنای باطنی عبارت مورد بحث نیز می توان گفت که هر موجود نافع که از طرف خدای متعال برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیة الله» محسوب می شود؛ بنابراین، تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ از این نظر «بقیة الله» به شمار می آیند. همچنین، می توان تمام رهبران راستین را که پس از مبارزه با یک دشمن سر سخت برای یک قوم و ملت باقی می ماند، «بقیة الله» دانست. افزون بر این، می شود به سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، لقب «بقیة الله» داد؛ اما آنچه که ظاهر روایات بر آن تصریح دارد و از تفاسیر روایی برداشت می شود، این است که معنای باطنی عبارت «بقیة الله» عمدتاً به ائمه اطهار علیهم السلام و با تأکید بیشتر به امام زمان علیه السلام تطبیق شده است؛ لذا با توجه با مطالب پیش گفته، از آنجا که امام زمان علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هستند، یکی از روشن ترین مصادیق «بقیة الله» می باشند و از همه به این لقب شایسته تر هستند؛ به خصوص که تنها باقیمانده بعد از پیامبران و امامان علیهم السلام به حساب می آیند.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ ق، تیسیر الکریم الرحمن، بیروت، مکتبة النهضة العربية.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبة نزار مصطفى الباز.

- ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دار الأرقم بن ابی أرقم.

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتاب العربی.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.

- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، ۱۳۷۹، الفصوص المهمة فی معرفة الأئمة، قم، دارالحدیث.



- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹ ق، *الأمان من أخطار الأسفار و الزمان*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی‌الدین محمد، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، بی تا، *غریب القرآن*، بی جا، بی نا.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *بحر المحيط فی التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، ۱۳۷۷، *جلاء الاذهان و جلاء الأحزان*، تهران، دانشگاه تهران.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- خصیبی، حسین ابن حمدان، بی تا، *الهدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، *تفسیر القرآنی للقرآن*، بی جا، بی نا.
- رازی، ابو الفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتاب العربی.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بی تا، *بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- سورآبادی، ابوبکر، ۱۳۸۰، *تفسیر سورآبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین، بی تا، *تلخیص البیان عن مجازات القرآن*، بی جا، بی نا.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶، *الاحتجاج*، تعلیق و ملاحظات سید محمدباقر خراسان، بیروت، بی نا.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۳ ق، *دلائل الأمامة*، قم، هاتف.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دارالقرآن الکریم.
- فراء، ابوزکریا، بی تا، *معانی القرآن*، مصر، دار المصریة للتألیف و الترجمة.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۳۷۲، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، ترجمه رضا خانی و حشمت‌اله ریاضی، تهران، دانشگاه پیام نور.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أحكام الأئمة الأطهار*، تصحیح محمدباقر محمودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، ۱۴۰۵ ق، *شرح إحقاق الحق*، بی جا، بی نا.
- مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۳۷۸، *المزار الکبیر*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ملاحویش، عبدالقادر، ۱۳۸۲، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الطرقي.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعید، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و مکتة الأبرار*، تهران، امیرکبیر.
- نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیة.
- نخجوانی، نعمت‌الله، ۱۹۹۹، *الفواتح الالهیة و المفاتح الغیبیة*، مصر، دار رکابی للنشر.
- نیشابوری، نظام‌الدین، ۱۴۱۶ ق، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

## معانى «بقية الله» فى الآيه «بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين» استناداً الى التفاسير الروائية

\* صمد عبداللهى عابد

\*\* عيسى مقالى

### الخلاصة

وردت فى القرآن الكريم آيات كثيرة فى عصمة وأحقية أهل البيت عليهم السلام، ويمكن أن نذكر من أبرزها آية التطهير وآية الولاية. هنالك طائفة من هذه الآيات، تتعلق بوجود امام الزمان عليه السلام، ويمكن أن نشير منها الى الآيه: (بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين). رغم أن هذه الآيه قد جاءت فى الظاهر فى سياق قصة النبى شعيب عليه السلام فى خصوص اهل مدين، وطُرحت أفهام مختلفة لمعناها الظاهري، ولكن بناء على ما جاء فى التفاسير الروائية لمفسرى الشيعة والسنة، فإن أحد التأويلات والمصاديق الباطنية لعبارة: «بقية الله» فى هذه الآيه هو الائمة الأطهار عليهم السلام وخاصة امام الزمان عليه السلام. ويهدف هذا التحقيق الذى بين أيديكم الى اثبات هذا الرأى.

### الألفاظ المفتاحية

الآيه ٨٦ من سورة هود، بقية الله، امام الزمان عليه السلام.

---

\*. استاذ مشارك فى جامعة الشهيد مدنى، أذربايجان. (الكاتب المسؤول)

s.abdollahi abed@azarunivedu.ac.ir

i.maghalil14@gmail.com

\*\* خريج ماجستير من جامعة الشهيد مدنى، أذربايجان.